

نیم نگاهی به مسیری که حسین سعیدی برای هنر نقاشی طی کرده است

راهی که با کتاب و اتوبوس رفته



راه تجربه



نجمه موسوی زاده روی دیوارهای مغازه، تابلوهایی از نقاشی های کلاسیک و امروزی ردیف شده اند. در میان همه این قاب ها، تصویری از چند کودک که دور پیرمردی روستایی حلقه زده اند بیشتر از بقیه چشم را می گیرد؛ شاید چون رد زندگی در آن پررنگ تر است.

صاحب همه این نقاشی ها، حسین سعیدی است. فردی که روی صندلی گوشه مغازه، بی توجه به رفت و آمد مردم در طبقه منفی دو زیست خاور نشسته است. قلم مورا با حوصله روی بوم می لغزاند و رنگ را با ظرافت پخش می کند. تابلو مقابلش تقریباً تمام شده، اما او هنوز دنبال جزئیاتی است که فقط نگاه یک نقاش می بیند.

سعیدی بیشتر پنجاه سال عمرش را در دنیای نقاشی گذرانده. او متولد قوچان است و دوازده سالی می شود که در محله شهید بهشتی ساکن شده و مغازه کوچک اما پررنگش را در مجتمع زیست خاور برپا کرده است.

آموزش ۲۰۰ هنرجو

با بهبود کیفیت آثارش، محیط کوچک شهرستان برای حسین آقا کافی نبود؛ شرایط خوب بود، اما شهر کوچک بود؛ از طرفی سفارش هایی که به من می شد، از مشهد بود. بنابراین بعد از چند سال تصمیم گرفتم به مشهد مهاجرت کنم.

دوازده سال است که در مشهد ساکن شده است و در زیست خاور سفارش می پذیرد و به شکل خصوصی و نیمه خصوصی تدریس می کند. تاکنون بیش از دویست هنرجوی نقاشی داشته است که بسیاری از آن ها در ابتدا برای سفارش نقاشی آمده بودند.

او معتقد است باید همیشه خودش را در کارش به چالش بکشد. در زمان شیوع کرونا، سفارش کاری متفاوت را پذیرفت؛ خانواده ای ۳۵ نفره درخواست کشیدن پرتره خود را به سبک قرن نوزدهم میلادی بالباس هایی شبیه همان دوران داشتند. یادم است چهره هر نفر را عکاسی کردم و آن ها هم تصویری اینترنتی از سبک لباسشان برایم فرستادند تا در ذهنم طرح بزنم و نقاشی کنم. کار بسیار سخت بود، اما در پایان هم نتیجه دلخواه آن ها و هم حس رضایت خودم به دست آمد.

حسین آقا علاوه بر حضور در مغازه و آموزش، تاکنون در چندین نمایشگاه گروهی و چهار نمایشگاه انفرادی شرکت کرده است. پیشنهاد کشیدن نقاشی های کلاسیک بر دیوارهای مجتمع های لوکس در شهرهای مختلف مانند اصفهان، کاشان و چابهار سبب شد فرصت دایر کردن آموزشگاه از او گرفته شود، اما او خوشحال است که مسیر درست زندگی اش را پیدا کرده؛ زیرا معتقد است هنر، به هر شکلی، آرامش بخش است.

تصمیم گرفت بایس اند از خود در دوره های آکادمیک هنر نقاشی شرکت کند؛ آزمونی برای علاقه مندان در مجتمع فرهنگی امام رضا^(ع) برگزار می شد که سطح توانایی هنرجو را می سنجید و براساس آن، از پایه یاد دوره بالاتر می توانستیم شرکت کنیم.

باینکه تا آن زمان تجربه حضور در هیچ کلاس آموزشی را نداشت، توانست در آزمون تعیین سطح، دوره تخصصی قبول شود؛ زیر نظر استادانی مانند کفشچیان، جاجویی و چند هنرمند دیگر، دوره ای دوساله را گذراندم؛ دوره ای که مشابه حضور در دانشگاه هنر بود و باید مباحث گسترده ای را یاد می گرفتیم.

سفارش تابلو از کشورهای حوزه خلیج فارس

رفت و آمد مداوم از قوچان به مشهد، حضور در کلاس ها، تهیه ابزار تخصصی و زمانی که باید صرف می کرد، برای حسین لذت بخش بود؛ آن قدر که گذر زمان را اصلاً حس نمی کرد و تنها تشنه یادگیری بیشتر و عمیق تر بود.

حضور در کلاس ها در پیچه تازه پیش چشمش گشود؛ او توانست از افراد مختلف و حتی شرکتی که تابلوهای نقاشی را به کشورهای خلیج فارس صادر می کرد، سفارش کار بگیرد. حالا او هم در تولیدی پدر کار می کرد و هم نقاشی می کشید. البته اولین سفارش حرفه ای او، به سال ها قبل از حضورش در کلاس های مجتمع برمی گشت.

حسین آقا تعریف می کند: با همان دانش تجربی ام تصویر دختری قجری که اصالت ایرانی را نشان می داد کشیدم؛ در کمتر از دو



سه روز فروخته شد.

خاطره ای که الهام بخش شد

سبک آثار حسین آقا کلاسیک است و علاقه اش به نقاشی با تکنیک رنگ روغن ریزانداست. وقتی توانست هنر را به منبع درآمد تبدیل کند، راهش را از پدر جدا کرد و آموزشگاهی در قوچان تأسیس کرد. هدف مهمی هم داشت؛ او می خواست کسانی که مانند خودش تشنه یادگیری هستند، در مسیر درست هدایت شوند.

راه اندازی آموزشگاه، خاطره ای رقم زد که هیچ گاه از ذهنش پاک نمی شود و همواره برای انگیزه دادن به هنرجویانش مثال می زند: «مردی که در کودکی مرادست به سرمی کرد و جواب سؤال هایم را نمی داد، روزی برای یادگیری اصول و تکنیک رنگ روغن در کلاس من ثبت نام کرد».

سوال های بی جواب مانده

همانند همه بچه ها، وقتی حسین توانست قلم را در دست بگیرد، کاغذی جلوی چشمش می گذاشت و شروع می کرد به کشیدن خط های ساده اما کم نقاشی هایش شکل پیدا کرد و رنگ گرفت. از همان موقع بود که دیگر نقاشی کشیدن برایش فقط بازی و سرگرمی نبود؛ هر بار که تصویری را می کشید و رنگ می کرد، دلش می خواست دفعه بعد آن را بهتر بکشد. آرام آرام، نقاشی به بخشی جدایی ناپذیر از زندگی اش تبدیل شد.

شهرشان کوچک بود؛ به همین دلیل فرصت های یادگیری حرفه ای کم بود. حسین آقا تعریف می کند: او آخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰، وقتی کشور درگیر جنگ بود، کمتر کسی اهمیت می داد که علاقه ات چیست یا می خواهی چه کاری انجام دهی. من هم از خانواده ام نخواستیم در کلاسی یا آموزشگاهی ثبت نام کنیم.

با این حال، عطش یادگیری او آن قدر زیاد بود که در ده سالگی، به مغازه یکی از هنرمندان شهر رفت تا جواب سؤال هایش درباره نقاشی را پیدا کند؛ بچه بودم. وقتی از آن مرد سؤال هایم را می پرسیدم، مرا جدی نمی گرفت و جواب هایی می داد که دست به سرم کند.

سماجت برای یادگیری

این رفتار هرگز حسین آقا را دلسرد نکرد؛ برعکس، مصمم تر شد تا بیشتر یاد بگیرد. مطالعه بهترین روشی بود که به ذهنش رسید؛ کتاب هایی را که درباره اصول و فنون نقاشی بودند، با همان پول کمی که داشت، می خرید و بالذتی وصف نشدنی می خواندم. ابتدا کتاب هایی بازبان ساده را می خواندم،

تکنیک ها را تمرین می کردم، سپس به سراغ کتاب هایی می رفتم که شاید در آن سن برایم سنگین بود.

علاقه اش او را به سفرهای تنهایی از قوچان تا مشهد کشاند. در جوانی با اتوبوس می آمد تا در یک روز به گالری های شهر سر بزند و آثار استادان را ببیند؛ چهارده ساله بودم که برای دیدن آثار و پرسیدن سؤال هایم به گالری های مشهد می آمدم. همین رفت و آمد ها باعث شد تجربه کسب کنم و چند نفر از هنرمندان مرا شناختند و مانند یک مشاور را هنگامی ام کردند.

از کارگاه پدر تا کلاس استادان هنر

با ورود به دوران جوانی، حسین آقا در تولیدی پدرش مشغول به کار شد. اما نقاشی همچنان در زندگی اش پررنگ بود و دست از قلم نمی کشید. هر چند فرصت حضور در دانشگاه برایش فراهم نشد،

دلسوز و بادقت

خانمی در گوشه ای از مغازه تمام دقتش را روی بوم مقابلش گذاشته است. حمیده راحتی از سال ۹۱ شاگرد سعیدی است. او می گوید: آن موقع ما موبه به خدمت در شهرستان بودم و به خاطر اینکه علاقه زیادی به یادگیری نقاشی داشتم، یکی از دوستانم استاد سعیدی را به من معرفی کرد.

او ادامه می دهد: حدود دو سالی در شهرستان هنرجوی ایشان بودم اما بعد که به مشهد مهاجرت کردند، حضورم کم رنگ تر شد. تا اینکه از سال گذشته دوباره برای یادگیری می آمیم. راحتی، بهترین ویژگی سعیدی را حوصله و دقت زیاد می داند و توضیح می دهد: بسیار دلسوز است و برای موفقیت شما بیشتر از خودتان دل می سوزاند. تمام اصول راحتی همان فوت کوزه گری را به هنرجوی خود یاد می دهد.